فهرست

[مقدمه 2](#_Toc58318687)

[حب النساء 2](#_Toc58318688)

[نکته اول: 3](#_Toc58318689)

[نکته دوم: 3](#_Toc58318690)

[نکته سوم: 3](#_Toc58318691)

[نکته چهارم: 4](#_Toc58318692)

[جمع روایات 5](#_Toc58318693)

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / محبت

# مقدمه

در باب محبت به مبحثی رسیدیم که اصنافی و طبقات و گروه‌های خاص در میان عموم جامعه مورد ترغیب بیشتری قرار گرفتند در محبت و حب نسبت به آن‌ها. علاوه بر اطلاقات و عموماتی که وجود داشت در عموم مسلمین و مؤمنین گروه‌ها و طبقات خاصی به‌طور ویژه محل تأکید بودند. نوع تأکید و حکم را هم قبلاً توضیح دادیم. از صفحه 137 کتاب المحبة فی الکتاب و السنه عنوان من تستحب محبته خورده و چند گروه را عرض کردیم تا رسیدیم به گروه پنجم یا ششم که مورد تأکید خاص بود فقرا و نیازمندان بود و طبعاً ابراز محبت. مواردی هم هست که فقط ابراز محبت آمده خیلی متعرض نشدیم و مواردی که محبت آمده را ذکر کردیم. چند مورد دیگر را در ادامه موارد خاصه اشاره‌وار عرض می‌کنیم:

# حب النساء

یکی از مواردی که آمده محبت النساء یا حب النساء است. در این کتاب صفحه 143 به روایاتی اشاره‌کرده که در باب حب النساء آمده است. ج 5 کافی کتاب النکاح باب حب النساء دارد:

1- «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع‏ مِنْ‏ أَخْلَاقِ‏ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ حُبُّ النِّسَاءِ».[[1]](#footnote-1)

روایت معتبر است. ابراهیم ابن هاشم را توثیق کردیم و علاوه بر آن اگر قاعده تعویض سند را قائل باشیم از باب تعویض سند قابل تصحیح و تأیید بیشتر است. روایات دیگر هم هست و در حد استفاضه است و عامه و خاصه هم دارند.

«وَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: كُلَّمَا ازْدَادَ الْعَبْدُ إِيمَاناً ازْدَادَ حُبّاً لِلنِّسَاءِ.»[[2]](#footnote-2)

«عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ ع يَقُولُ‏ الْعَبْدُ كُلَّمَا ازْدَادَ لِلنِّسَاءِ حُبّاً ازْدَادَ فِي‏ الْإِيمَانِ‏ فَضْلًا.»[[3]](#footnote-3)

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كُلُّ مَنِ اشْتَدَّ لَنَا حُبّاً اشْتَدَّ لِلنِّسَاءِ حُبّاً وَ لِلْحَلْوَاءِ.»[[4]](#footnote-4)

سند تام نیست ولی حب ائمه را مساوی با حب نساء دانسته است.

البته در نقطه مقابل روایاتی داریم که حب نساء را به‌عنوان حب دنیا مذموم شمرده شده است:

باب فی اصول الکفر در کافی:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدِّهْقَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ إِنَّ أَوَّلَ مَا عُصِيَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ سِتٌّ حُبُّ الدُّنْيَا وَ حُبُّ الرِّئَاسَةِ وَ حُبُ‏ الطَّعَامِ‏ وَ حُبُ‏ النَّوْمِ‏ وَ حُبُّ الرَّاحَةِ وَ حُبُّ النِّسَاءِ.»[[5]](#footnote-5)

روایت دارای سند درستی نیست. یکی از محبت‌های رهزن انسان حب نساء است. چند روایت در کافی آمده که حب نساء را از امور موجب سقوط انسان قرار داده است. در غیر کافی هم روایات متعددی داریم و بعضی روایات هم طبعاً معتبر است. چند مطلب در مورد دو طایفه باید نقل کنیم.

چند نکته را در مورد روایات ترغیب‌کننده حب نساء باید بگوییم

## نکته اول:

علاوه بر اینکه بعضی سندها درست بود از استفاضه هم برخوردار بود و تقریباً نوعی اطمینان به این وجود دارد. البته طبق آنچه اینجا آمده از عامه خیلی نیست و بیشتر روایات خاصه است و جای تفحص بیشتری هم هست.

## نکته دوم:

طبعاً از این روایات بیش از استحباب و حداکثر استحباب مؤکد استفاده نمی‌شود مگر اینکه کسی بگوید حب نساء مساوی ایمان قرار داده‌شده است. اینکه می‌گوید درجات ایمان هرچه افزون شود این هم افزون می‌شود معلوم می‌شود این هم درجات ایمان است که درجات نازله‌اش واجب است و درجات راقیه‌اش مستحب است. در همه مراتب باایمان مساوی است و چون در برخی مراتب ایمان واجب است این هم در بعضی مراتب واجب می‌شود.

## نکته سوم:

همان‌طور که در دو روایت ملاحظه کردید دو تعبیر وجود دارد یکی «كُلَّمَا ازْدَادَ الْعَبْدُ إِيمَاناً ازْدَادَ حُبّاً لِلنِّسَاءِ» و برعکس هم هست کلما ازداد حبا للنساء ازداد فی الایمان فضلا به این خاطر است که بسیاری از ویژگی‌های خوب و ممدوح برآمده از ایمان‌اند و هم سازنده و تقویت‌کننده ایمان هستند. این دو روایت را کنار هم بگذاریم همان مضمون رابطه متقابل ایمان و این ویژگی به دست می‌آید. همان‌طور که رابطه متقابل بین ایمان و عمل جوارحی است اینجا بین ایمان و عمل جوانحی است.

## نکته چهارم:

 علاوه بر بحث کلی ایمان در روایتی که سند تام ندارد یک تساوی برقرارشده است بین حب اهل‌بیت و حب نساء.

در طرف مقابل همان‌طور که ملاحظه کردید هم مجموعه‌ای از روایات در کتاب ایمان و کفر است که در کنار چند محبت دنیوی از عوامل سقوط و انحراف انسان معرفی کرده است. مبدأ این‌ها آیه شریفه است که آیه 14 سوره آل‌عمران است:

**﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَواتِ مِنَ النِّساءِ وَ الْبَنينَ وَ الْقَناطيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعامِ وَ الْحَرْثِ ذلِكَ مَتاعُ الْحَياةِ الدُّنْيا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآب﴾**‏‏[[6]](#footnote-6)

آیه به نحوی می‌گوید حب نساء جزء متاع دنیاست و می‌تواند رهزن شود.

سؤال: آیه **﴿يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ \* وَ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ \* وَ صاحِبَتِهِ وَ بَنِيه﴾[[7]](#footnote-7)**‏ هم مثل همین است. اینکه خودش را فرد از این‌ها می‌کند.

جواب: ارتباط با بحث اینجا شاید واضح نباشد.

تعارضی به ظاهر بین دو طایفه برقرار می‌شود و طایفه دوم ظهورش نوعی حرمت است. حبی که رهزن است لااقل مراتبی از آن حرام است. حبی که انسان را ساقط می‌کند مقصود است و در بعضی روایاتش دارد «أَوَّلَ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِه‏»[[8]](#footnote-8). مبدأ عصیان‌اند که حرام می‌شود اما این‌طرف استحباب بود. البته تعارض بدوی برقرار بود. همان‌طور که وجوب و حرمت تعارض دارد استحباب و حرمت هم تعارض دارد. حتی اگر بگوید مکروه است نوعی تعارض است.

سؤال: در حرمت حکم مثل لو کان آبائکم احب تا وقتی بروز نداشته باشد اشکال ندارد.

جواب: اینجا فرق می‌کند. آنجا قرائنی بود که همان را بیشتر افاده نمی‌کرد اما اینجا می‌گوید خود محبت مذموم است لااقل مکروه است و با محبوبیت و نشانه ایمان بودن تعارض دارد. بله ممکن است کسی بگوید به‌عنوان امر درونی اشکالی ندارد ولی تعارضی در اینجا مشهود است.

در مورد طایفه اول از یک منظر دو احتمال دارد یکی اینکه حب النساء یعنی این صنف و طبقه و گروه با قطع‌نظر از تمتعات و مسائل ثانوی و بگوییم این روایات می‌گوید مقابل نگاه جاهلی که زن را ناچیز می‌شمارد و ارزشی قائل نبود برای زن هم ارزش قائل است. زن و مرد مثل هم‌اند و مراتب کمال را هر دو می‌توانند طی کنند. این‌طور نیست که نگاه شر مطلق به او داشته باشد. حبا للنساء یعنی علاقه انسانی که به هر مؤمن دارد. این‌یک احتمال است. احتمال دوم این است که حبا للنساء از حیث رابطه‌ای است که شخص به لحاظ تمتعات با او برقرار می‌کند و حبا للنساء یعنی علاقه‌ای که به زن یعنی همسر دارد. حبا للنساء یعنی زن‌هایی که در شکل زوجه با او رابطه برقرار می‌کنند. فقط ازواج را می‌گیرد و کنیز را که رابطه جنسی با آن‌ها برقرار می‌شود.

آیه که می‌گوید زین للنساء حب الشهوات من النساء با احتمال دوم سازگار است. حب شهوات می‌گوید بعد مظاهرش را می‌گوید از منظر علاقه‌های خاص می‌گوید. همه اموری که به نحوی مرتبط با او هستند و تعلق خاصی دارد یا زوجیت یا ابوت و بنوت یا مالکیت و مملوکیت یا ذهب و امثال این‌ها. ظاهر آیه همان علاقه‌های زوجیت و بنوت و ملکیت و این‌هاست و در اینجا هم ممکن است بگوییم همان مقصود است. این دو احتمالی است که در اینجا متصور است.

سؤال: احتمال سوم را می‌شود داد که حب النساء یعنی تسلط شیطان نسبت به فرد مجرد نسبت به تسلطش به فرد متأهل خیلی فرق دارد.

جواب: احتمال سوم نیست بلکه مترتب بر احتمال دوم است. شاید اظهر هم احتمال دوم باشد و احتمال اول ابعد است گرچه شواهدی شاید بشود برایش پیدا کرد.

## جمع روایات

 حال اگر احتمال دوم باشد جمعی که احتمال دارد انجام داد این‌طور است که ازداد للنساء حبا یعنی علاقه‌هایی که موجب تحکیم روابط خانوادگی می‌شود و مایه‌های ایمانی هم کامل‌تر می‌شود و بر اساس نکاح است. چون نکاح هم در بازدارندگی از معصیت معسر است و هم بالاتر در کمال فرد مؤثر است. آن‌طور که از روایات استفاده می‌شود فقط بهره‌گیری تمتعات نیست بلکه خصلت‌های دیگر پیدا می‌شود که حتی عبادتش ارزشش بیشتر می‌شود شخصیت او متکامل‌تر می‌شود و امثال این‌ها. پس حب النساء در طایفه اولی همان مقوله‌های مرتبط با نکاح و خانواده و آثار آن است. ازداد للنساء حبا یعنی اهل تشکیل خانواده و توجه به خانواده است و این برمی‌گردد به اینکه علاقه و محبت دارد. آن‌وقت نزدیک به روایاتی می‌شود که حب الزوجه در آن آمده است و در مدار طاعت خداست. نکاح و خانواده و در مدار طاعت خدا و طایفه دوم یعنی علاقه‌های دنیوی که در مسیر عصیان است و فراتر از روابط خانوادگی است و از مدار خانواده بیرون است و به سمت گناه می‌رود و می‌رود به سمتی که محبت آن جلو وظایف و تکالیف بالاتری را می‌گیرد. این جمعی است که با شواهد مختلف سازگار است. پس حب النسائی که مطرح‌شده یعنی همان محبتی که موجب تحکیم خانواده است **﴿وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَة﴾[[9]](#footnote-9)** که در آیه آمده و فلسفه ازدواج است اینجا تجری پیدا می‌کند و منشأ کمال و مصونیت شخص می‌شود؛ و آنجا که می‌گوید اول ما عصی الله به یعنی علاقه‌هایی که به جنس مخالف یا ریاست وجود دارد و امثال این‌ها مبدأ معصیت انسان است و اگر در مسیر درست قرار نگیرد باعث معصیت می‌شود.

سؤال: روایاتی که حرمت حب نساء است روایات اهل سنت بیشتر نیست؟

جواب: نمی‌دانم اینجا هم از عامه آن‌طرفش را نقل نکرده است. قاعدتاً این‌طور است.

سؤال: احتمال دارد به تعارض نرسد چون اهل سنت چون می‌خواستند مقام صدیقه طاهره را پایین بیاورند کار را به‌جایی رساندند که یکی از مبطلات نماز عبور کلب یا حمار یا زن است. لذا تا توانستند شخصیت زن را پایین آوردند. این روایات به نحوی فرهنگ‌سازی مقابل عامه است.

جواب: چون به ابعاد احاطه ندارم احتمالی عرض کردم که گفتم اینجا ندارد آنجا هست امر قبلی که گفتیم حب النساء از عوامل ضلالت است امر جاافتاده است این‌ها موجب ضلالت انسان می‌شود و اگر کنترل نشود با قیودی آمده است. اگر نشود عامه و خاصه هم دارند؛ اما روایات مربوط «كُلَّمَا ازْدَادَ الْعَبْدُ إِيمَاناً ازْدَادَ حُبّاً لِلنِّسَاءِ» از عامه نقل نشده است ولی خاصه آورده‌اند معلوم می‌شود عنایتی از ناحیه خاصه وجود دارد. اگر احتمال اول باشد باآنکه شما می‌گویید نزدیک می‌شود. احتمال اول این است که نگاه به زن نباید نگاه درجه‌دو و سه و پست و نازل دانسته شود بلکه در همین صنف هم انسان‌هایی می‌توانند به اعلی درجات برسند. احتمال اول با آنی که شما میگویید سازگار است؛ اما نمی‌دانم اینکه آن‌ها با عنایت برای پایین آوردن مقام صدیقه طاهره حرف‌هایی زده‌اند یا نه

-شواهدی هست مثلاً عمر وقتی در خانه حضرت آمده گفت اینجا زنی است.

-حال اگر شواهد نقل شود شاید احتمال اول تقویت شود.

درهرصورت احتمال اول که نگاه به مقام زن به‌عنوان یک صنف است باید گرامی داشته شود. اگر این شود مفهوم متفاوتی از آیه استفاده می‌شود.

سؤال: آیه هم که می‌گوید **﴿إِنَّ مِنْ أَزْواجِكُمْ وَ أَوْلادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ﴾[[10]](#footnote-10)** این هم تقویت می‌کند که وقتی می‌گوید اولادکم و اموالکم فتنة عدو یعنی برحذر داشتن.

جواب: بله یعنی آنجا که منشأ دوری از خدا شود.

جمع روایات با مجموعه شواهد روشن است و مشکلی ندارد منتها دو احتمالی که در روایات ازداد للنساء حبا دو احتمالی است که خیلی فرق می‌کنند. احتمال اول مخصوصاً اگر شواهدی که اشاره می‌کنند تمام باشد امر خاص و دارای دستمایه مذهبی می‌شود که ثمره‌اش در حضرت زهرا است. اگر آن باشد احتمال اول به آن شکل درمی‌آید؛ اما اگر دومی باشد با همان حب الزوجه و تأمین درست نیازها از طریق درست ناظر است.

سؤال: احتمال سوم هم می‌شود گفت که نساء مطلق باشد ولی حب النساء به جهات روحانی و معنوی باشد در احادیث نهی هم نگاه شهوانی باشد. احتمال اول هم نیست چون احتمال اول این است که حالت تساوی باشد اما اینجا فراتر می‌گوید بر اساس فطرتش زن‌ها را دوست دارد.

جواب: یعنی علاقه انسانی نسبت به آن‌ها هست. بیشتر از صنف مرد در روایت نیست.

سؤال: روایتی که حب الرجال را داشته باشد نداریم

جواب: چون در مقام حذر است. چون نگاه به زن پایین بوده گفته ازداد للنساء حبا. نگفته ازدیاد حب نسبت به مردها.

احتمال دوم را ما ترجیح می‌دهیم که نزدیک به بحث خانواده و زوجه می‌شود.

سؤال: چیزی که برداشت را مشکل می‌کند این است که هم در جانب امر هم نهی عبارت مشترک حب النساء به‌کاررفته است.

جواب: قرائن ضمیمه دارد. مثلاً اول ما عصی الله به یعنی فراتر از خانواده است. قرائن لبیه و لفظیه تعارض را لغو می‌کند.

1. . [الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج5، ص320.](http://lib.eshia.ir/11005/5/320/%D8%A7%D9%84%D8%A3%D9%86%D8%A8%D9%8A%D8%A7%D8%A1) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج100، ص228.](http://lib.eshia.ir/71860/100/228/%D9%84%D9%84%D9%86%D8%B3%D8%A7%D8%A1) [↑](#footnote-ref-2)
3. . [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص24، أبواب يَقُولُ‏ الْعَبْدُ كُلَّمَا ازْدَادَ لِلنِّسَاءِ حُبّاً ازْدَادَ فِي‏ الْإِيمَانِ‏ فَضْلًا، باب3، ح10، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/24/%20%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D8%A7%D8%AF%20) [↑](#footnote-ref-3)
4. . [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج20، ص24، أبواب بَابُ اسْتِحْبَابِ حُبِّ النِّسَاءِ الْمُحَلَّلَاتِ وَ إِخْبَارِهِنَّ بِهِ وَ اخْتِيَارِهِنَّ عَلَى سَائِرِ اللَّذَّات‏، باب13، ح12، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/24/%D8%A7%D8%B4%D8%AA%D8%AF) [↑](#footnote-ref-4)
5. . [الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج2، ص289.](http://lib.eshia.ir/11005/2/289/%D8%B9%D8%B5%D9%8A) [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره آل‏عمران، آیه 14. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره عبس، آیات 34، 35 و 36. [↑](#footnote-ref-7)
8. . [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج15، ص339، أبواب بَابُ جُمْلَةٍ مِمَّا يَنْبَغِي تَرْكُهُ مِنَ الْخِصَالِ الْمُحَرَّمَةِ وَ الْمَكْرُوهَة، باب49، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/15/339/%D8%B9%D8%B5%D9%8A) [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره روم، آیه 21. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره تغابن، آیه 14. [↑](#footnote-ref-10)